



برگ ریز

نویسنده: مریم نصیرزاده

با مقدمه‌ی دکتر محمدحسین بهرامیان



سرشناسه	نصیرزاده، مریم، ۱۳۵۳
عنوان و نام پدیدآور	برگریز/ نویسنده مریم نصیرزاده؛ با مقدمه‌ی دکتر محمدحسین بهرامیان
مشخصات نشر	شیراز: انتشارات فرنام، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری	۷۲ ص
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۶۰۸-۰۳-۶
موضوع	شعر فارسی - قرن ۱۴
موضوع	شعر مذهبی فارسی - قرن ۱۴
شناسه افزوده	بهرامیان، محمدحسین، مقدمه‌نویس
رده بندی کنگره	۱۳۹۳ ب۴۸۵۵ص / PIR۸۳۶۲
رده بندی دیویی	۸۴۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	۳۶۵۰۲۱۱



شیراز- کد پستی: ۷۱۵۷۸۳۷۶۹۵

همراه: ۰۹۱۷۳۰۵۸۲۶۹ Farnampub.ir

عنوان کتاب: برگ ریز

نویسنده: مریم نصیرزاده

صفحه آرا و طراح جلد: پریسا هدایتی

چاپ اول: ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: واصف

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۰۸-۰۳-۶

قیمت: ۴۰,۰۰۰ ریال

تمامی حقوق برای نشر فرنام محفوظ است. هیچ بخشی از این اثر بدون اجازه کتبی ناشر قابل تکثیر یا چاپ مجدد نمی باشد و متخلفین به موجب بند ۵ ماده ۲ قانون حمایت از ناشران تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

ردیف	عنوان	صفحه
۲	مقدمه	۷
۳	برگ اول - غزل پاردهای سوگوار	۱۲
۴	اولین یاد	۱۳
۵	سکوت فریادها	۱۳
۶	آخرین حرف	۱۴
۷	قیام	۱۳
۸	سرود درد	۱۴
۹	فخر خدا	۱۴
۱۰	اولین داغ	۱۴
۱۱	اولین تصویر	۱۴
۱۲	سفیر تبر در فریاد	۱۵
۱۳	دومین یاد	۱۵
۱۴	فصل مردانگی	۱۵
۱۵	دردی که رنگ شعر از آن جان گرفته است	۱۵
۱۶	اولین آه	۱۶
۱۷	دومین تصویر	۱۶
۱۸	مست میثاق	۱۶
۱۹	خران دلدادگی	۱۶
۲۰	تکرار یک تصویر	۱۷
۲۱	سهم یک مادر	۱۷
۲۲	دومین آه	۱۷
۲۳	تاراج عشق	۱۷
۲۴	سومین یاد	۱۸
۲۵	اشک در علقمه	۱۸
۲۶	آرزو	۱۸
۲۷	سنگ صبور	۱۸
۲۸	برای ساقی	۱۹
۲۹	درد دل	۱۹
۳۰	لبخند پیروزی	۱۹
۳۱	درس آخر	۱۹
۳۲	مرد و غم	۲۰
۳۳	دومین تصویر	۲۰
۳۴	بهانه	۲۰
۳۵	آخرین حسرت	۲۰
۳۶	شام غریبان	۲۱
۳۷	جام عطش	۲۱
۳۸	حسرت	۲۱
۳۹	سومین تصویر	۲۱

۲۲	خراب	۴۰
۲۲	آتش سرد	۴۱
۲۲	مرور خاطرات	۴۲
۲۲	گلایه	۴۳
۲۳	بار امانت	۴۴
۲۳	اعتبار کربلا	۴۵
۲۳	خواب غفلت	۴۶
۲۳	بوی عباس(ع)	۴۷
۲۴	رقص در خون	۴۸
۲۴	داغ برادر	۴۹
۲۴	بازار خون	۵۰
۲۴	بوسه گاه	۵۱
۲۵	در آرزوی شفاعت	۵۲
۲۵	غربت ویرانه ها	۵۳
۲۵	وسعت نوشته های من	۵۴
۲۵	تب و غربت	۵۵
۲۶	سومین آه	۵۶
۲۶	اسیر	۵۷
۲۶	بازار باوفا	۵۸
۲۶	اسب و سوار	۵۹
۲۷	تعبیر ناب	۶۰
۲۷	عطش در کام غنچه ها	۶۱
۲۷	ما را شفیع می شوی ای آبروی عشق	۶۲
۲۸	صبحی از شام آخر دیدار	۶۳
۲۹	آخرین دیدار	۶۴
۳۰	تصویر مردی در تب دردی صمیمی	۶۵
۳۱	ناگفته های خفته، گلو را می آزد	۶۶
۳۲	روایت عشق	۶۷
۳۴	برگ دوم-توفیق سعادت در ساحت شعر	۶۸
۳۵	بانوی نور	۶۹
۳۸	بانوی آب و آفتاب	۷۰
۳۹	خط آخر	۷۱
۴۱	آخرین غماز	۷۲
۴۲	رد پای عدالت	۷۳
۴۳	همراز شب	۷۴
۴۴	وارث غدیر	۷۵
۴۸	روزنه	۷۶
۴۹	می آیی اما کاش... من هم با تو باشم	۷۷
۵۳	آقای انتظار	۷۸
۵۴	باز هم کوچه، انتظار... و من	۷۹
۵۴	امید	۸۰

۵۴	انتظار صمیمی	۸۱
۵۴	برای تو	۸۲
۵۶	برگ سوم- در مسیر دلدادگی	۸۳
۵۷	رویای پرواز	۸۴
۵۷	فراز عشق	۸۵
۵۷	آیهی تطهیر	۸۶
۵۷	مفقودالآثر	۸۷
۵۸	جای خالی	۸۸
۵۸	آخرین ترکش	۸۹
۵۸	پرواز	۹۰
۵۸	اشتیاق	۹۱
۵۹	یاد مرتضی	۹۲
۵۹	میل حرم	۹۳
۵۹	پیوند با خدا	۹۴
۵۹	چراغ راه	۹۵
۶۰	بی تو	۹۶
۶۰	تشییع خورشید	۹۷
۶۰	وداع	۹۸
۶۰	از تبار عشق	۹۹
۶۱	تصویر برپر	۱۰۰
۶۲	اوج بلند عشق را تفسیر بودی	۱۰۱
۶۳	هویت رها	۱۰۲
۶۴	قانونس	۱۰۳
۶۶	درد دل	۱۰۴
۶۹	خداهای کودکانه	۱۰۵
۷۱	قیام جاویدان	۱۰۶

شعر فارسی حکایت و ماجرای بس غریب دارد؛ خود را از گلی شاعران زخم خورده بیرون کشیده و عرصه‌های گوناگون را بی محابا درنوردیده است. در طول قرون هر کسی از ظن خود یار شعر شده است و بر گمان خود تعریفی از شعر به دست داده است. حضور شعر در همه عرصه‌ها از رزم و بزم گرفته تا مدرسه و مسجد و خانقاه و دیرو مجلس و عظمه و همه و همه گویای این مطلب است که شعر، بی محابا زمان و مکان و جغرافیا را درنوردیده و در هفت اقلیم جان و جهان به دلبری پرداخته است.

آمیختگی شعر با فرهنگ مردم و اندیشه‌های اجتماعی، این هنر متعالی را زبان گویای جوامع بشری ساخته است، بدان گونه که هیچ جامعه‌ای از این زبان بارز، برای انتقال اندیشه‌هایش بی نیاز نبوده است. گاهی شعری انقلابی بپا کرده است و گاه انقلابی، شعری پویا و پایا را سامان داده است.

زندگی، تلفیقی از فراز و فرودها و آمیزه‌ای از اشک و لبخندهاست. زندگی انسان، با اولین گریه‌ی کودگانه او، نقش می‌یابد. بی شک در این اندوه آغازین، راز و رمزی نهفته است که ریشه در بی اعتباری دنیای آدمی و زود هنگامی مرگ دارد.

انسان شاعر گاه نیز به مویه‌ی گذشته می‌پردازد و حسرت دیروز را با حال و آینده پیوند می‌دهد. در اینجا است که مرثیه به عنوان نوعی بیان درد، شکل می‌گیرد.

ادبیات آیینی خصوصاً در دو شکل مدیحه‌سرایی و مرثیه نمود می‌یابد. بسیاری از مدایح خواسته یا ناخواسته به مرثیه‌هایی در سوگ بزرگان دین و مذهب می‌انجامد. مرثیه سوگواری زندگی است و روایت سوز و گداز درون شاعر. پیوند ناگسستنی میان آدم‌ها، مرثیه را از سوز و گدازی فردی، به شبیه خوانی‌های پر سوز و حماسه‌ی جمعی گسترش می‌دهد و بدین سان است که مرثیه از یک سوگیانه‌ی معمول، پا فراتر نهاده و همه حسرت‌ها، ناکامی‌ها و مصائب بشری را در برمی‌گیرد. انسان در مرثیه به رثای خود می‌پردازد و دردها و دغدغه‌های همیشگی خود را به تصویر می‌کشد.

سلسله نظام مرثیه، قرن دهم را پر از ناله‌های عاشورایی محتشم کرده است و عرفی شیرازی را به سوگ یاگریم اهل بیت نشانده است. اوج سوگ سروده‌های عاشورایی در دوران بازگشت ادبی و در کلام بزرگان این عهد از جمله سروش و نشاط و هاتف و یغما طنین‌انداز است. نغمه‌های پر سوز و گداز شعر، کاروان رثا را تا دوران بیداری و خیزش ملی و مذهبی مشروطه کشانده است.

در دوران معاصر و در رنگارنگی شکل‌ها و قالب‌های ادبی، سوگ و رثا همچنان بن‌مایه بسیاری از اشعار شورانگیز معاصر بوده است. رویکرد به فضاها و آیینی و مدایح و مرثی‌های اهل بیت علیهم‌السلام، ویژگی بارز شعر انقلاب است. سمبلیسم کلمات مطابق اندیشه‌های دینی و آیینی روز شکل می‌گیرد و در این میان چنان که گفته شد شعر وسیله‌ای می‌شود برای بیان اندیشه‌های دینی و بعضاً اخلاقی و اجتماعی از نوع خاص خود.

با این حال توجهات بیش از حد معمول شعر آیینی به جریان‌ات اجتماعی، آن را از شعریت تام و تمام به دور داشته و بعضاً از برخی سیاست‌زدگی‌های قابل‌تصور، مصون نداشته است.

وجود نوعی روحیه حماسی و سلحشوری از دیگر ویژگی‌های شعر انقلاب و دفاع مقدس است و این روحیه فعال و پویا، شعر شاعران انقلاب را از شعر یأس آلوده و فلسفه زده پیش از انقلاب متفاوت و گاه متمایز می‌کند.

مجموعه‌ی حاضر حاصل سال‌ها تلاش و ممارست شاعری است که بر چند و چون زبان شعر امروز آگاه است. از تندروی‌ها و کج روی‌های برخی شاعران و نحله‌های ادبی معاصر درس‌ها آموخته و هرگز خود را به این جریان‌های خام و انحرافی نیالوده است. وی با همه‌ی نامهربانی‌هایی که برخی از معاصرین او بر ادبیات سنتی روا داشته‌اند، همچنان به اصالت‌ها می‌اندیشد و زبان پر رمز و راز غزل، دوبیتی، رباعی و چهارپاره را برای سروده‌های خود برگزیده است. او برای بیان اندیشه‌های اجتماعی و عواطف و احساسات خود گاهی غزلی ساز می‌کند و گاه، بالابندی‌های معنا را در مثنوی، چهارپاره و یا قالبی دیگر نقش می‌زند. تعلق خاطر شاعر به گونه‌های مختلف روایت، او را به خلق چهارپاره‌هایی زیبا و گاه بدیع رهنمون ساخته است:

دستی از انتظار می‌رقصید، در میان حصارهای کبود
و دلی از تراکم شب و درد، می‌گذشت از تمام بود و نبود
یک نفر در میان کوچه‌ی ابر، رد یک قطره را رصد می‌کرد
اشک لرزان و پلک آهسته، راه او را ز شرم سد می‌کرد
در عبور از حریر خاطر من، نقش خوب خیال جاری شد
دل سپردم به یک توهم سبز، دور تقدیر دست‌کاری شد
مردی از جنس آب و آیین، کوله‌بار عدالتش بر دوش
جاری از قرن لاف‌تی آمد، پر شد از ناله‌اش زمین را گوش

شاعر در گیرودار قالب‌های شعری، گاه نیز به دوبیتی و رباعی روی می‌آورد و فراخوانی عظیم معانی را در چهار مصرع ساده اما عمیق خلاصه می‌کند:

تبارت را به باران هدیه دادی
دلی پرگل به بستان هدیه دادی
صفای بی‌دریغ انتظاری
صمیمی را به یاران هدیه دادی

دلبستگی شاعر به کوتاه سروده‌های چهار سطری به میزانی است که گاه حتی غزل پاره‌های وی نیز در حد دو بیت یا چهار مصرع باقی می‌مانند. به همین دلیل شاعر غزلیات کوتاه چهار سطری را "غزل پاره‌های سوگوار" می‌نامد که با دلپارگی‌های شعر عاشورایی و مرثیه‌های سوگوار آیینی ارتباط تام و تمام دارد:

ای قامتت ز داغ اسیران عشق تا
ای پاسدار تیره‌پوش اسیران کربلا
عهدی عظیم بسته به تاریخ عاشقان
دستان دادخواه تو و دامن خدا

وی گاه نیز با انجام ظرافت‌هایی در شکل و قالب آثار خود، عرصه‌هایی از زبان نوین را تجربه می‌کند.

کوچه‌ها یادآور کفش‌های پینه بسته‌ات بود
در سرایش شب
چیزی مثل تازگی رویش، جوانه می‌زند
بین انگشتان پینه دوزی که
از غذا تهی مانده!

همیشه تو را چون خطی عمود
بر بوم ذهنم نقاشی می‌کنم
و دستانت را
چون ابری سپید
بر آسمان نیاز

و خودم را
که چه تنها، به آفتاب پشت ابر می‌اندیشم...
هاشور می‌زنم!

پایبندی او به اصالت‌های فرهنگی و ادبی، اما گاه او را به کهنگی زبان و واگویه‌ی گفتار گذشتگان وا می‌دارد؛ با این حال با ترفندی زیبا، خود را از این معضل می‌رهاند.

مجموعه‌ی حاضر اولین دفتر شعر اوست که این‌گونه با رویکردی به ادبیات آیینی به زیور طبع آراسته شده و در دسترس مخاطبان شعر امروز قرار گرفته است. هر چند این مجموعه از پاره‌ای نواقص خالی نیست با این حال تمام تلاش شاعر بر این بوده است که در هر شعر جلوه‌ای تازه و متفاوت از هزمنده‌های خویش بروز دهد.

شاعر در این دفتر شعر، از میان ارکان شاخصی چون تصویرآفرینی، احساس و عاطفه، اندیشه، زبان و موسیقی شعر، گرایشی ویژه‌ای به سمت احساس و عاطفه و اندیشه دارد، هر چند از برخی تصویرآفرینی‌های زیبا نیز سروده‌های خود را مشحون ساخته است. قصاید نهایی در باب چونی و چندی شعر او به عهده خواننده‌ی گرامی است. امید که مجموعه‌ی حاضر، مقبول طیف وسیعی از دوستداران و مخاطبان غزل امروز قرار گیرد.

در پایان ضمن آرزوی سعادت و توفیق روز افزون برای سرکار خانم نصیرزاده که شاعر این مجموعه‌ی دلنشین است، شما را به خوانش دلسروده‌های ارجمند وی دعوت می‌نمایم.

محمدحسین بهرامیان

۱۳ آبان ۱۳۹۳

مصادف با عاشورای ۱۴۳۶ ه.ق